



آیت‌الله قائم‌مقامی: بانو مجتهده امین جامع همه علوم بود/ مکاشفه نبی اکرم(ع) و امیرالمومنین(ع) توسط بانو

یک استاد حوزه و دانشگاه با بیان این‌که بانو امین جامع علوم عقلی، سلوکی، عرفانی و فلسفی بود، گفت: با نگاهی در آثار بانو می‌بینیم که این مسائل همه در ارتباط ارگانیک با هم هستند.

یک استاد حوزه و دانشگاه با بیان این‌که بانو امین جامع علوم عقلی، سلوکی، عرفانی و فلسفی بود، گفت: با نگاهی در آثار بانو می‌بینیم که این مسائل همه در ارتباط ارگانیک با هم هستند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن(ایکنا)، آیت‌الله سیدمحمد قائم مقامی، استاد حوزه و دانشگاه در سومین کنگره بین‌المللی بانو مجتهده امین در ارتباط با حکمت بانو، اظهار کرد: اعتقاد ما بر این است که ایشان علاوه بر اینکه بانویی بزرگ در علم و معرفت است، از عالمان بزرگ در جامعه عالمان نیز هست که خداوند توفیق عنایت کرده و توانسته در تبعیت از اهل بیت(ع) به جایگاه والایی برسد که این نقطه والا را فعلا حکمت می‌دانیم.

وی با بیان این‌که حکمت خیر کثیر است، گفت: مراد ما از حکمت صرفا فلسفه نیست، بلکه فلسفه تلاش جزئی عقل بشر برای درک کلیات هستی است و حقیقت حکمت چیزی است که فلاسفه دوست‌دار رسیدن به آن هستند و حول آن محور حرکت می‌کنند. اما در اینجا یک پارادوکس و تناقض ظاهری وجود دارد که ما نمی‌دانیم چه طور می‌شود انسانی که عاشق حکمت باشد، نخواهد به قعر دانش برسد. به عبارت دیگر، عشق به کمال در فلسفه به صورت جدی وجود دارد، اما از سوی دیگر، حد برای آن تعریف می‌کند که تا اینجا پیش می‌رویم و جلوتر از آن نمی‌رویم.

وی ادامه داد: حکمت رسیدن به حاقّ دانش است؛ دانشی که از جنس وحی است و از سنخ الهام و کتاب خداست. حکمتی که از جنس کلام خداست فقط با وحی فهمیده می‌شود. مبنای فکری تشیع این است که متن الهی باید به صورت الهی درک شود و اگر چنین شد، به حکمت می‌رسیم.

وی با بیان این‌که در این دانش، لغو و بیهوده جایی ندارد، عنوان کرد: حکمت ارتباط تنگاتنگی با عمل پیدا می‌کند و رفتار ظاهری را تغییر می‌دهد، در نتیجه حکمت صرفا مسئله‌ای ذهنی نیست.

وی با بیان این‌که بانو امین جامع همه علوم بود، اظهار کرد: وی اهل مباحث عقلی، سلوکی، عرفانی و فلسفی بود. با نگاه در آثار بانو می‌بینیم که این مسائل همه در ارتباط ارگانیک با هم هستند و این‌گونه نیست که حکمت از عرفان جدا باشد و در خود حکمت جز دیگری وجود ندارد. در دانش حکمی ایشان نمی‌توان قائل به تفکیک شد و نمی‌شود گفت فلان مسئله ارزش عقلی دارد و فلان مسئله دانش تفسیری است.

قائم‌مقامی با اشاره به اثر نفحات رحمانیه بانو، گفت: بانو می‌گوید که من آن‌چه را که یافتم و وجدان کردم، همان عقاید بود؛ یعنی من اول عقیده حقه یافتم و بعد به واسطه مجاهده و تلاش توفیق پیدا کردم که آن‌چه را که یافتم، ببینم و لمس کنم. وی از زبان بانو امین گفت: حکمت عبارت از شهود عقاید حقه است و در اینجا حکمت ارتباط تنگاتنگی با دین پیدا می‌کند. وی مطرح کرد: ما در سیر آثار ایشان می‌بینیم که ایشان فیلسوف نیست که بخواهد حرف جدیدی مطرح کند، بلکه بحث بر سر حکمت و سلوک است و این همان چیزی است که انبیاء و اولیا داشته‌اند. بانو امین در همین جهت، مشعری را که می‌توان حکمت را به واسطه آن درک کرد، یافته بود.

قائم‌مقامی با بیان این‌که بانو امین با نظریات فلاسفه جدید غرب آشنا بود، گفت: بعنوان مثال در جایی از دکارت نقل می‌کرد، اما ایشان مشعری کسب کرده بود که معارف اهل بیت را به واسطه آن می‌فهمید و آن مشعر فواد است.

وی در تعریف فواد گفت: فواد با قلب متفاوت است و در اصطلاح دقیق مکتب اهل بیت، قلب مادون فواد است. در این تعریف، عقل و قلب هم‌رتبه می‌شود، ولی فواد بالاتر است و مشعری در وجود انسان که می‌تواند حقیقت را به آن صورتی که هست، ببیند.

وی با بیان اینکه وقتی انسان بتواند اشیاء را از جمیع عوارض پاک کند، می‌تواند به حقیقت مطلب برسد، خاطرنشان کرد: اگر فلاسفه و متکلمین به حکمت خاص اهل بیت رجوع نکنند، هرگز نمی‌توانند معضلات فلسفه را رفع کنند. همه اتفاق دارند که عالم مثال برتر از این عالم است، ولی با یک بداعه عقلی ما می‌دانیم که مثال نمی‌تواند از ممثل مقام بالاتری داشته باشد.

قائم‌مقامی افزود: در مکتب اهل بیت(ع) این مسئله روشن شده است. امام علی(ع) گفت: خدا وقتی عالم را آفرید، در هر شیء مثال خودش را امضاء کرد؛ یعنی عالم مثال عالم تجلیات خداست.

وی گفت: عامل مثال مظهري از خداست و حکمت ادراک امثله‌ای است که در اشیاء پراکنده شده است و حکیم کسی است که مشعری را پیدا کرده که همان فواد است و فواد نگاهش فقط به خداست.

قائم مقامی افزود: بانو امین هیچ چیزی جز خدا را نمی‌دید. بانو در «نفحات» می‌گوید ممکن از جهت ممکن بودنش هیچ چیزی نیست و خدا عین وجود است.

وی ادامه داد: کار فواد این است که مثال را می‌بیند و از مثال صاحب مثال یعنی خدا را نظاره می‌کند. مقام بانو از فلاسفه و عرفا بالاتر بوده و عرفان ایشان آلوده به عرفان عامه نیست. عالی‌ترین مکاشفه ایشان دیدار نبی اکرم(ص) بود و می‌گوید که پیامبر(ص) را در مکاشفه‌ای دیدم و از ایشان خواستم حضرت علی(ع) را به من نشان بدهد که در این هنگام حضرت علی(ع) از درب دیگری وارد شد.

قائم‌مقامی در خصوص بانو مجتهده امین، گفت: بانو علاوه بر عقل قوی، انصاف بالایی داشت. او حتی درباره نکات مثبت غرب با نگاه تائیدی حرکت می‌کرد؛ به عنوان مثال درباره حرف دکارت که می‌گوید «خدا را به واسطه وضوحش می‌توان درک کرد»، می‌گوید: «این حرف حرف درستی است و همان حرف اسلام است».

وی در پایان به ذکر جمله‌ای از بانو امین پرداخت و گفت: عارفان اهل‌الله هستند؛ آنها کسانی هستند که با چشم بصیرت که بسیار واضح‌تر از چشم ظاهری است، الوهیت خلق را می‌بینند. برای رسیدن به کنه صفات خدا امکانی وجود ندارد، مگر اینکه خدا کسی را موفق کند و آن فرد با تحمل ریاضت‌های بسیار بتواند توفیق جذب رحیمه را به دست بیاورد.